



عبدالرحمن نجل رحيم عصب‌شناس و عصب‌پژوه

اعمال داعش، تاکتوں، مملو از شقاوت، سنگ‌دلی و بی‌رحمی بوده است و شاید جزء شنیع‌ترین اعمال انسان علیه انسان به‌حساب آید. در چنین شرایطی بعید نیست افراد زیادی مبهوت و شگفت‌زده، از شما که فکر می‌کنند تخصصی در زمینه روان‌شناسی مغزمحور دارید، درباره داعش و اعمال‌شان بپرسند، همان‌طور که بارها از من پرسیده شد. اغلب این سؤال تکرار می‌شود که چگونه چنین جنایات غیراخلاقی‌ای را می‌توان با افتخار و سرافرازی تصویربرداری کرد و در سایت‌های اینترنتی گذاشت یا اینکه می‌پرسند چگونه با وجود تمامی کراحت و اشم‌نزاری که این صحنه‌های خشن و اعمال غیرانسانی و وحشیانه ایجاد می‌کند، هنوز هم می‌توانند در میان نوجوانان و جوانان جوامع مرفه غربی و در قشر تحصیل‌کرده سایر نقاط جهان، برای گروه عضوگیری کنند. صرف‌نظر از نیات و مقاصد که در سطح کلان سیاسی برای تأسیس حکومتی به‌اصطلاح اسلامی به خلافت بغدادی مطرح است، اغلب این سؤال مطرح می‌شود که در مغز اکثر افراد این گروه چه می‌گذرد. آیا آنها جنون دارند که در قرن بیست‌ویکم و در عصر علم و تکنولوژی ارتباطات، جذب گروهی می‌شوند که به‌طور آشکار دست به اعمال غیراخلاقی و شنیع، مطلق‌گرایانه و غیرانسانی می‌زنند؟ شواهدی علمی دال بر وجود اسکیزوفرنی و انواع جنون دیگر به‌طور فردی یا جمعی در افراد شاخص گروه وجود ندارد و گمان نمی‌رود نظریه‌ای براساس جنون دسته‌جمعی، از نظر عصب‌پژوهی بالینی – اجتماعی پایه‌ای استوار داشته باشد. بعید به‌نظر می‌رسد که سایر اختلالات و بیماری‌های مغزی روانی چون افسردگی نیز چنین فاجعه‌ای جمعی به‌بار آورد. شاید وجدان‌پریش‌ها (سایکوپات‌ها) که اغلب قدرت اجرایی بالایی در نشان‌دادن شقاوت و شقاوت دستور بیشتر است. اما به‌طورکلی پژوهش علمی دقیق و معتبری در این زمینه وجود ندارد تا به ارزیابی قابل اطمینانی از کارکرد مغزی– روانی آنها دست پیدا کرد. در این موارد که دستیابی به داده‌های علمی دقیق میسر نیست، می‌توان از روی نظاره‌ار رفتارهای و کرداری گروه و باورها و اعتقادات تبلیغ‌شده آنها به گمانه‌زنی علمی پرداخت. در میان اعضای داعش، افراد تحصیل‌کرده، دانشگاه رفته و مطلع از آخرین دستاوردهای علمی و تکنولوژی روز، کم نیستند. به‌نظر می‌رسد افراد بالای هرم قدرت این گروه از قدرت مدیریت، تصمیم‌گیری و اجرایی مغزی به درجات بالا در شرایط سخت، برخوردار هستند. برای یافتن دلایلی توجیهی برای رفتار شنیع و قساوت‌گونه گروه داعش نسبت به انسان‌های خارج از گروه و دسته خود، ابتدا باید به دستگاه باور و عقیده‌ساز آنها رجوع کرد.

پژوهشگرانی ازجمله «هالیکن»، به این گمان رسیده‌اند که نظام باورساز مغز ما انسان‌ها چون صافی‌ای برای قبول یا رد واقعیت‌ها عمل می‌کند و اشخاصی که مغزشان نظام باورمند بدون انعطاف و سختی دارند، بسیاری از واقعیت‌های ملموس و قابل ادراک را نمی‌توانند از این صافی عبور دهند و این خود باعث افکار و رفتارهای افراطی غیرقابل انعطاف و تقسیم‌ساده جهان به دو گروه خودی (مظهر خیر) و گروه غیرخودی (مظهر شر) می‌شود. «کاتلین تیلر»، پژوهشگر دیگر، سخت‌جانی ساختارباور و اعتقاد را چون ساختار حافظه و خاطره به علت تثبیت آن با ملال‌انگیزه، هیجان و پاداش در مغز، درپیا می‌داند. پژوهشگر دیگری چون «ادولفس»، با بررسی ساختار افکار هذیانی در سندرم کاپرکس که نوعی باور غلط است که در آن چهره نزدیکان واقعی، تقلبی به‌نظر می‌رسد، سعی دارند تا به ساخت و کار باور و مغز انسان پی ببرند. براساس نظر «اتاسکات اتران»، پژوهشگری که در زمینه کارکرد مغزی در باورها کار می‌کند، می‌توان چنین نتیجه گرفت که گروه‌هایی افراطی چون داعش با گسترش دامنه تخیل خود و تصور ماورایی از دنیایی دیگر، بر اضطراب وجودی ناشی از میرایی و فریب‌مداری و خالی از معنویتِ ابدی و حقیقتی مطلق در این جهان، به باور به سعادت‌ای ابدی و پایدار و حقیقتی مطلق، مملو از معنا، تهی از دروغ و فریب می‌رسند و حاضر می‌شوند جان این دنیایی خود را فدا کنند و جان مخالفان خود را با بی‌رحمانه‌شدن شکل ممکن بگیرند. پژوهشگران دانشگاه کلرادو نیز به نقش ترس از مرگ و فانی‌بودن زندگی این جهانی در پناه‌بردن به ارزش‌های مقدس ماورایی و تقویت آن در بافت فرهنگ گروهی، تأکید می‌کنند. «ماتیو لیرمن»، عصب‌پژوه اجتماعی در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که عامل ترس در تحکیم اعتقاد و باور تعصب‌آلود ناساگاه نقش عمده‌ای بازی می‌کند و دراین‌میان، او نقش امیکدال (بادامک)، برانگیزاننده ترس در ارتباط با بخش‌های میانی قطعه پیش‌پیشانی مغز را دخیل می‌داند که موجب تثبیت ناگاه اعتقادات پابرجایی می‌شود. «جرولد پست»، پژوهشگر دیگر، به این نتیجه می‌رسد که در چارچوب خشک باورهای گروه‌های افراطی‌ای چون داعش انسان به‌صورت فرد، هویتی جداگانه ندارد، بلکه فقط در قالب گروهی خود قابل شناسایی است و اگر به گروه خودی وابستگی نداشته باشد، از گروه دشمن، شیطان یا کفر است و سزاورا بدترین مجازات‌ها‌ست. پژوهش‌های «پیژنسکی» و «کروگلا‌نسکی» نیز نشان می‌دهد در گروه‌های افراطی، هویت فردی فدای هویت جمعی و اهداف فراجهانی شده و انتظار برای پاداش به دنیای پس از مرگ حواله داده می‌شود. شاید به این دلیل است که آنها خود را در مقابل منطق و عقل این جهانی مقاوم و آسیب‌ناپذیر می‌بینند، چون از فرامینی دور از منطق و عقل انسانی پیروی می‌کنند و از این دیدگاه، اعمال‌شان غیرقابل

بررسی مغزمحور اعمال بی‌رحمانه «داعش»

قدرت‌نمایی بی‌تابانِ رهایی از قفس تن



پیش‌بینی به‌نظر می‌رسد و تنها وابستگی گروهی این افراد است که به آنها هویت و شخصیت می‌دهد. فرد داعشی تحت‌تأثیر احساسات همدلانه و عاطفی در مقابل سوزهای قربانی خود قرار نمی‌گیرد، چون دستگاه همدلی و هم‌احساسی مغزش را در برخورد با اعضای گروه کفر– شامل تمامی آدم‌های روی زمین مخالف گروه– خاموش کرده است. نفرت فراگیر نسبت به کفار، رحم نمی‌شناسد. داعش هر فرد از گروه غیرخودی را پاره‌ای وابسته به کل جبهه شیاطین می‌داند و چهره انسانی قربانی خود را نمی‌بیند و ماموریت خود را فرامی‌نی می‌داند. داعشی‌ها دستگاه عظیم کفر روی زمین را سر تا پا نیرنگ، دروغ، سالوس و آغشته به پلیدی تصور می‌کنند و هر نوع اعتمادی نسبت به آن را خیانت به آرمان‌های فرامزینی خود می‌دانند. فرامین را از طریق خلیفه و اعضای گروه، بی‌چون‌وچرا اجرا می‌کنند، چون هویت فردی خود را فقط در گروه می‌شناسند. همانا که سرکردگان گروه خودی، نمایندگان قادر مطلق و واقف بر همه احوال، نیرنگ‌ها و فریب‌های دشمن، چه آشکار و چه پنهان، هستند. داعشی‌ها تحمیل مبارزه سخت از سوی دشمن کافر و شیطان را امتحانی سخت برای تحکیم صفوف خود در راه مبارزه می‌دانند. پذیرفتن مرگ داوطلبانه در حملات انتحاری برای آنها نوعی خودکشی نیست. چون خودکشی به دلائل فردی و شخصی حرام است اما انتخاب کشته‌شدن در محلات انتحاری در راه اهداف گروه، استشهاد یا شهادت تلقی می‌شود که عملی سزاوار بهترین پاداش‌ها در جهان باشد.

اگر از منظر روان‌شناسی مغزمحور، به پدیده داعش نیک نگریم، متوجه می‌شویم گروه‌هایی چون داعش به انسانیت در هیئت زمینی آن، بی‌اعتنا و بی‌اعتماد هستند و آن را پست و بی‌مقدار می‌شمارند و بی‌تاب هستند تا هرچه زودتر خود و دیگران را از قفس تن خلاص کنند و به جهانی دیگر که خود به‌طور درستی از آن ندارند، هدایت کنند. به همین دلیل می‌خواهند همه را با خیالات بی‌بنیاد خود به آتش بکشند و بمیرانند. آنها برای جسمانیت و این جهانی‌بودن خود حرمتی قائل نیستند و فراموش می‌کنند که انسان در طبیعت از خون، پوست، گوشت، استخوان و عصب ساخته شده است و از طریق آن به گاهی رسیده و با همه ضعف‌ها، بی‌کفایتی‌ها و عدم حتمیت و نااطمینانی‌ها که بر وجودش حاکم است، تواناترین موجود روی زمین است. این نوع رویگردانی از وجود خاکی انسان، زمینه را برای خود و دیگر‌تخریبی و حرکتی به‌سوی نابودی و تاریکی محض آماده می‌کند. چون ارزش‌های متعالی انسان در شرایط زیست زمینی متبلور می‌شود. احساس، اندیشه، خاطره، خیال، اندیشه و معنویت، از تن و جان انسان نشئت می‌گیرد. اصلی‌ترین اصول اخلاقی برای انسان حفظ هویت زمینی است. شاید برای قدرت‌های حاکم امروز که مجوز به آخرین وسایل تکنولوژیک برای کشتار و سرکوب هستند، موثرترین راه مبارزه با داعش، مقابله‌به‌مثل، با اعمال زور و کشتار برای انتقام‌گیری باشد. ولی این چاره کار نیست. باید بدانیم که چرا فرهنگ تحمل، تساهل، جای خود را به عدم تحمل، نفرت و بی‌زاری، قساوت و شقاوت، داده است و چرا تنوع افکار، عقاید و باورها را برنمی‌تابیم و خشمگینانه از سر جنگ جهت حذف و نابودی هر مخالفی درمی‌آیم.

روان‌شناسی مغزمحور که برای ارزش‌های معرفت‌آفرین تانگکی انسان زمینه‌ی اعتبار و احترام قائل است، راه را در تعلیم و پرورش اصول میبایندی می‌داند که در هیاهوی تحولات سریع و پیدایش ابرقدرت‌های ماورایی اقتصادی، سیاسی و نظامی در جهان، همراه با گسترش توان پرواز تخیل جوانان در دنیای مجازی شبکه‌های اجتماعی، اهمیت خود را از دست داده است. شکی نیست که قدرت‌های بزرگ حاکم نظامی، سیاسی، اقتصادی این جهان نیز خواهان کنترل بیشتری روی شبکه‌های اجتماعی برای نشان‌دادن قدرت ماورایی خود بر تمامی رزمیهی انسان‌های روی زمین هستند. تعجبی ندارد که داعش نیز برای اظهار وجود و قدرت‌نمایی در مقابل دشمن، از طریق شبکه‌های اجتماعی، قدرت ماورایی خود برای برای سربازگیری از میان سیاه کفر را برخ بکشد. اما طنز تلخی در پس این وقایع نهفته است. فناوری نوینی که حاصل تلاش مغزهای دانشمندانی است که با تبعیت از قوانین فیزیکی، طبیعی و این جهانی، به توسعه ارتباطات روی کره خاکی برای رفاه

از حمله القاعده تا بازسازی خیابان کتاب بغداد

خیابان است. درحال‌حاضر نیز برخی کتاب‌فروشی‌های موجود در متنی، کتب تاریخی و نسخ خطی بسیار نادری، بعضا با قدمتی برابر با تاریخ بغداد، دارند. علاوه‌بر کتب تاریخی موجود در این خیابان، بناهای موجود در آن نیز به‌خودی‌خود قدمتی تاریخی دارند؛ بناهایی که به ساختمان‌های بغدادی شهرت دارند و شامل ساختمان قشله، مدرسه الموفقیه، ساختمان دادگاه مدنی بغداد در دوران پادشاهی و برخی ساختمان‌های کوچک‌تری هستند که نشان از قدمت تاریخی خیابان‌های این چنینی دارد.

سعد ونجلیل، از نویسندگان بنام عرب، بغداد را بدون متنی مانند بدنی توصیف می‌کند که نبض ندارد و خون در آن جریان ندارد. وی می‌گوید نمی‌توان جمعه‌ای را تصور کرد که بغداد باشد و مردم به متنی نروند و این مانند جریان‌داشتن خون در بدن فرهنگ و تاریخ و تمدن عراق است. در سال ۲۰۰۷، القاعده به این خیابان حمله کرد. در این حمله کتاب‌فروشی العصریه، که از قدیمی‌ترین کتاب‌فروشی‌های متنی به‌حساب می‌آمد و در سال ۱۹۰۸ تأسیس شده بود، به‌طور کامل منهدم شد و ساختمان چاپ‌خانه شا‌بندر، که از ساختمان‌های فرهنگی بسیار بارزش

زاویه

کودکان وداعش

داعش توانسته است مرزهای مختلف وحشت و اخلاق و تکنیک را پشت‌سر بگذارد. کودکان و زنان از قربانیان آنها و اتفاقاً جزء علاقه‌مندان آنان هستند.

کودکان

گزارشگر سسی‌ان‌ان در سفری که به تل‌ابیب داشت‌ه است از برخی فعالیت‌های آنان که هنوز آتارش باقی مانده، نکته‌هایی را نوشته است: «آثار روانی حکومت دوساله داعش بر‌ تل‌ابیب بر روح و روان کودکان و بزرگ‌سالان این منطقه باقی مانده است. کودکان تل‌ابیب از وحشت خود در زمان حکومت داعش بر این منطقه می‌گویند و اینکه می‌خواهند بار دیگر به مدرسه بازگردند». خبر ربه‌ده‌شدن هزارو ۲۰۰ کودک عراقی یا سوری یا جذب کودکان و نوجوانان، چندی است که مدام مطرح می‌شود. طبق آخرین اخبار، به‌نظر می‌رسد داعش بر روی کودکان و نوجوانان سرمایه‌گذاری کرده است. هرچند اگر پای مجازات در میان باشد، می‌توانند حتی نوجوان زیر ۱۸ سال را در حالی‌که به سلب کشیده‌اند در خیابان‌های بوکمال در شهر دیر الزور بچرخانند. آنان شیوه‌های جدید آموزش برای نوجوانان را دارند. به‌تازگی داعش با انتشار ویدئویی از نحوه آموزش نیروهایش در «قفس آموزش» برده‌برداری کرد. در این ویدئو که غالب حضارن در آن نقاب دارند، نحوه تیراندازی از نزدیک، دفاع شخصی و حرکات رزمی تیرد تن‌به‌تن، به اعضای داعش آموزش داده می‌شود، مثلاً یک فرمانده روی بدن آنها راه می‌رود. فرماندهان نظامی داعش نوجوانان و جوانان تازه‌پیوسته به این گروه تروریستی را برای تمرین و آموزش‌وارد این قفس‌ها می‌کنند و به آنها تیراندازی و مهارت‌های رزمی آموزش می‌دهند. یا با بررسی ویدئویی دیگر، به‌نظر می‌رسد کودک‌آزاری جزء شیوه‌های آموزشی آنان شده است. به گزارش روزنامه دبلی‌میل، تصاویری از کلاویزشدن کودکان با یکدیگر را در حالی که فرماندهان مسلح‌شان آنها را تشویق می‌کنند، به نمایش می‌گذارد. همچنین عناصری مأمور کتک‌زدن این کودکان با چوب می‌شوند. همچنین تصاویر دیگری کودکان نقاب‌داری نشان می‌دهد که با سر خود اجسام سخت را می‌شکنند، مبارزه آکروباتیکی را تمرین می‌کنند و درحالی‌که به طرفشان گلوله‌های جنگی شلیک می‌شود، داخل تونل‌های فلزی می‌زنند.

تکنولوژی

آنان توانستند صفحات شخصی فرماندهان ارتش آمریکا را در توییتر و فیس‌بوک هک کنند. این‌ گروه از فضای مجازی و اینترنت برای جذب علاقه‌مندان استفاده می‌کنند. ازاین‌رو مقامات پلیس اروپا (یورپول) اعلام کردند حساب‌های سخته‌زیوه‌ایان داعش را در شبکه‌های اجتماعی مسدود و به‌این‌ترتیب از تبلیغات این سخته‌زیوه‌یان جلوگیری کنند. اما عصب‌تبر اینکه بعضی قوانین آنها کلاما در تضاد با تکنولوژی است مثلاً داعش از طریق بلندگوها از ساکنان دو شهر فلولجه و رمادی خواسته تا برنامه‌های ماه رمضان را که از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای محلی و عربی پخش می‌شود، تماشا نکنند و در غیراین‌صورت با مجازات‌های سخت ازجمله اعدام مواجه می‌شوند.

زنان جایزه می‌شوند

جهاد نکاح در ابتدا شوک‌آور بود، اما به‌تدریج زنان آمدند و اعلام کردند در این کار حضور داشتند. البته به‌تازگی اعلام شد مردانی نیز در این جهاد حضور دارند. اما زنان زیادی مورد ظلم و تجاوز و خریدوفروش قرار گرفتند؛ از جمله زنان ایزدی. رفتارهایی که با زنان ایزدی از سوی داعشی‌ها شد، در نوع خود جزء وحشتناک‌ترین‌ها بود، کمی بعد آنان مورد خریدوفروش قرار گرفتند. اما اکنون به مناسبت حفظ قرآن برای ماه رمضان زنان جایزه مردان داعشی شده‌اند که نفر اول تا سوم این مسابقات می‌شوند. نتیجه مسابقه روز ۲۱ رمضان اعلام خواهد شد و توزیع جوایز در شب عید فطر انجام می‌شود.

گزارش

خیابانی برای تمام فصول

امیر قهرمانی - راینر فرهنگی ایران در عراق

خیابان «متنی» در مرکز شهر بغداد و در حِدِفاصل بین رود دجله و خیابان الرشید، از قدیمی‌ترین خیابان‌های بغداد، واقع شده است. این خیابان در حقیقت بازار محصولات فرهنگی برای اهالی بغداد به‌حساب می‌آید، چراکه تجارت کتاب در عراق در این خیابان جریان دارد و انواع کتب و مجلات را می‌توان در این خیابان و کتاب‌فروشی‌هایش یافت.
متنی در سال ۲۰۱۵:
خیابان متنی در حال‌حاضر نقشی بی‌بدیل در فرهنگ عراق بازی می‌کند و جایگاه ویژه‌ای در این زمینه دارد. کافی است در یک روز جمعه به این خیابان سری بزنیم تا بسیاری از چهره‌های فرهنگی و هنری عراق را در کنار یکدیگر ببینیم که مشغول بررسی آثار و سخن‌گفتن از آخرین وضعیت عرصه فرهنگی عراق هستند. بسیاری از کتاب‌فروشی‌های این خیابان وسعت کمی دارند و رسم و سنت اصلی در این خیابان، فروش کتاب‌ها در خیابان و روز جمعه است. در روز جمعه مقابل هر کتاب‌فروشی، حبصیری پهن می‌شود و کتاب‌فروشی‌ها کتاب‌های‌شان را روی این حصیرها پهن می‌کنند و در معرض دید علاقه‌مندان قرار می‌دهند. این، سنتِ خیابانِ متنی است.

درحال‌حاضر یکی از نکات مثبتِ متنی، دوری این مرکز از طایفه‌گری و نگاه فرقه‌ای است و همین امر باعث شده هر هفته شاهد حضور تمامی جریانات طایفه‌ای و مذهبی عراقی در این خیابان باشیم. آنها بعضا به طرح مطالبات‌شان می‌پردازند و این موضوع به‌دلیل حضور تقریباً تمامی شبکه‌های تلویزیونی عراق در این خیابان، در روز جمعه است. در هر هفته هنرمندان شیعه، سنی، مسیحی، ایزدی، صابئه و… را می‌توان در این خیابان یافت که در کنار یکدیگر درحال گفت‌وگو درباره مسائل فرهنگی هستند.

یکی از برنامه‌هایی که جدیداً و پس از اشغال عراق و سقوط صدام در خیابان متنی باب شده است، مطالبات صنفی و گروهی است؛ معمولاً عده‌ای با چاپ ولازار و نوشته به حمایت از یک جریان، مثلاً حشد شعبی یا ایزدی‌ها، پس از تعذی داعش به آنها یا اعتراض به نابودی آثار باستانی عراق توسط داعش، می‌پردازند یا اینکه در اعتراض به شرایطی مانند رسیدگی نکردن حکومت به وضعیت آوارگان و…، تجمعاتی برگزار می‌کنند و از فرصت حضور رسانه‌ها در خیابان متنی در روز جمعه، برای رساندن صدای‌شان به مردم عراق بهره‌برداری می‌کنند.

با همکاری شهرداری بغداد و مجلس استان بغداد، درحال‌حاضر دو ساختمان تاریخی مجاور با خیابان متنی، به‌نام‌های مرکز الثقافي البغدادی و قشله، به محوطه فرهنگی خیابان متنی پیوسته‌اند و از آنها استفاده فرهنگی می‌شود.

این دو ساختمان، متنی را از یک مرکز فروش کتاب به مرکزی شامل تمامی فروع فرهنگ و هنر تبدیل کرده‌اند و این امکان برای هنرمندان تمامی رشته‌ها فراهم شده است تا با حضور در این مراکز، به عرضه آثارشان به علاقه‌مندان هنر و اساتید عراقی بپردازند. درحال‌حاضر در مرکز الثقافي البغدادی، سالن‌های متعددی تعبیه شده است که از برخی از آنها به‌عنوان سالن برگزاری همایش و نشست‌های علمی با ظرفیت‌های مختلف بین ۵۰ تا ۱۵۰ نفر و همچنین برای اجرای برنامه‌های شعرخوانی، نقد و رونمایی از کتاب، برگزاری برنامه‌ها و مناسبت‌های مختلف و… استفاده می‌شود. بخش دیگری از سالن‌ها به‌صورت گالری در اختیار هنرمندان رشته‌های گوناگون قرار می‌گیرد تا آثارشان را به نمایش بگذارند. در این سالن‌ها معمولاً آثار نقاشی، کاریکاتور، خط، عکس و… از برجسته‌ترین هنرمندان عراقی در کنار آثاری از هنرمندان جوان این کشور به نمایش درمی‌آید. ازهمین‌رو، با حضور در این مرکز می‌توان سالنی را یافت که برنامه نقد ادبی در آن در جریان است، سالنی دیگر که در آن شعرخوانی می‌شود و در گوشه‌ای دیگر، نمایشگاه آثار نقاشی هنرمندی جوان در کنار آثار استادی برپاست که در سالن کنارتی مشغول نمایش آثار کاریکاتور خود است.

همچنین در محوطه میدان و اطراف حوض وسط مرکز الثقافي البغدادی، در بیشتر ایام سال غیر از ماه‌های بسیار گرم بغداد، نمایشگاه‌هایی برپا می‌شود و یک سن بزرگ نیز در این محوطه قرار دارد که از آن برای اجرای برنامه‌های نمایشی استفاده می‌شود. محوطه قشله، اما به فضای باز و ساعت تاریخی‌اش که بر فراز برجی قدیمی خودنمایی می‌کند، شناخته می‌شود. آلاچیق‌های این محوطه شاهد عهده‌های هنرمندانی است که شعرخوانی و… را بی‌بی‌گیرند و در گوشه‌ای، هر هفته نقاشان جوان به نقاشی مقابل انظار علاقه‌مندان مشغول‌اند. ناوخت موسیقی زنده برای حضاران نیز در برنامه‌های ثابت در این محوطه است که معمولاً توسط هنرمندان جوان اجرا می‌شود.

در این محوطه نیز یک سالن بسیار بزرگ برای برپایی گالری و نمایشگاه در نظر گرفته شده است و معمولاً چند نمایشگاه به‌صورت هم‌زمان در حال برگزاری است. همچنین فضای مناسبی برای اجرای هنرهای جسمی در این سالن وجود دارد.

فضای جمعی این مرکز، درحال‌حاضر بیش از آنکه مانند سالیان و دهه‌های گذشته از اختیار کتاب و کتاب‌خوانی باشد، به‌سمت نمایشگاهی از آثار هنری یا محلی برای تضارب آرا و افکار و دیدوبازدیدهای روشنفکری سوق داده شده است و فعالیت‌هایی مانند شعرخوانی، اجرای موسیقی، نقد ادبی، نمایشگاه‌های عکس و کاریکاتور و نقاشی و… جای خود را میان جامعه فرهنگی متنی، به خوبی باز کرده است؛ هرچند بخش توجه‌برانگیزی از متنی همچنان در اختیار کتاب و کتاب‌خوانان است.

درحال‌حاضر می‌توان در کنار کتب قدیمی و دست‌دوم یا به اصطلاح رایجِ متنی «استوک»، کتاب‌های جدیدی را از انتشاراتی‌های معتبر عربی در قاهره و اردن و بیروت و امارات یافت؛ هرچند در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای حضور بیشتر جریان‌های اسلامی در مرکز بزرگ فرهنگی عراق، به‌ویژه در زمینه کتاب، صورت گرفته است، ولی به‌دلیل جو غالب این مرکز، که از سالیان دراز در اختیار جریانات چپ بوده است، این هدف به کندی محقق شده است و کتب اسلامی در مقابل کتب غیراسلامی و گاهی ضداسلامی، درصد کمی از کتب موجود در این خیابان را به خود اختصاص می‌دهند، ازهمین‌رو ضرورت تلاش بیشتر در این زمینه کاملاً احساس می‌شود. درحال‌حاضر نمی‌توان به وفور، کتب فکری، عقیدتی شیعی و اسلامی را در این خیابان یافت، درحالی‌که در ۱۰ کام‌اول ورود به این خیابان، به‌راحتی کتاب‌هایی از مراکز مطالعات امارات و قاهره و اردن را می‌باید که درباره هلال شیعی و حتی مطالبی در ضدیت با شیعه‌اند و این موضوع به‌دلیل ارتباط قوی توزیع‌کنندگان عمده کتاب در عراق با این مراکز از سالیان دور و همچنین نوع تفکر آنها است که از طریق متنی به کل عراق می‌رسد.